



17 جنوری 2016



داکتر سید عبدالله کاظم

دولت و سکتور خصوصی در افغانستان

عرض مرام:

بروز سه شنبه هفته گذشت مورخ 22 جدی 1394 (12 جنوری 2016) وزارت اقتصاد کشور نشستی را به منظور آگاهی استفاده از تولیدات داخلی برای مسئولان مالی وزارت های، مؤلدين و متشبهين ملی از مرکز و ولايات در کابل راه اندازی کرد. در این مجلس سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور گفت:

«بخش خصوصی محرک اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی است و در ایجاد ابتکار، سرمایه، ثروت، عواید، کار آفرینی [استخدام] و کاهش فقر نقش اساسی دارد. در کشور ما بخش خصوصی با درک مسئولیت تاریخی خود در سخت ترین شرایط و علی رغم مشکلات موجود در کنار دولت و ملت ایستاده است.» او تصریح کرد که: «یکی از محور های اصلی برای مسئولیت فعالیت های اقتصادی و حمایت بخش خصوصی تداوم ثبات سیاسی و وجود یک حکومت کارآمد و با اقتدار است. بدون ثبات سیاسی، ثبات اقتصادی امکان پذیر نیست» و در ادامه افزود: «در شورای عالی اقتصادی اولین اقدام تدوین استراتژی انکشاف ملی کشور است که در آینده نزدیک به تأیید نهائی می رسد که هدف اصلی آن ترسیم کلی و دیدگاه دراز مدت در تعیین اولویت ها است. در این استراتژی تأکید بیشتر بر حمایت از تولیدات داخلی و تبدیل کشور از وارد کننده به صادرکننده و در نهایت حرکت بسوی خود کفائی است.»

در این مجلس عبدالستار مراد - وزیر اقتصاد تأکید کرد که بخش خصوصی، بخشی است که برای مردم کار و شغل ایجاد میکند و محرک اصلی قوت اقتصادی و حتی نظامی کشور است. بخش خصوصی قوی میتواند حکومت قوی و نیرومند را به بار بیاورد.»

متن فوق مختصری بود از گزارشی که شرح آن در رسانه های داخل کشور انعکاس یافته و مطالعه آن مرا بیاد مقاله انداخت که در همین موضوع تحت عنوان "دولت و سکتور خصوصی در افغانستان" یک دهه قبل بنا بر درخواست گردانندگان یک سمینار منعقد کابل نوشته بودم. این سمینار در ارتباط با "نقش سکتور خصوصی در بازسازی و انکشاف افغانستان" به ابتکار "انجمن انجیران افغان در امریکا" برای دو روز از تاریخ 17 و 18 دسمبر 2005 در اتاق بزرگ شورای عالی پوهنتون کابل با اشتراک چند وزیر کابینه آنوقت، برخی از اراکین دولت و تشبثات خصوصی، استادان پوهنتون و نمایندگان مؤسسات کمکی خارجی دائر شده بود.

اینجانب که یکی از سخنرانان سمینار بودم، گفتار خود را با یک تذکر مختصر چنین آغاز نمودم:

خوشحال هستم که بعد از 27 سال بار دیگر در این سالون که خاطرات گذشته را برابم تداعی میکند، فرصت سخن گفتن و ابراز نظر می یابم. از "انجمن انجیران افغان در امریکا" نسبت دعوت اشتراک در این محفل ممنونم. تحولاتی را که در عرصه چهار سال در کشور به وقوع پیوسته، مایه امیدواری میدانم و تأکید میکنم که مردم و دولت از شرایط موجود باید استفاده اعظمی نمایند، زیرا دوام این شرایط برای همیشه میسر نیست. من به این نظر هستم که مشکلات و مصیبت های وارده طی یک ربع قرن را به هیچ وجه نمی توان در ظرف مدت کوتاه رفع و جبران کرد. ما باید این مرحله را با تحمل و تدبیر بگذرانیم، ولی تلاش و سعی ما

د پانو شمیره: له 1 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولۍ

باید در آن باشد که یک تهداب مستحکم را برای آینده بگذاریم و مرحله عبور را هرچه کوتاه تر سازیم. در این نوشته و سخنان من بعضی نکات و مسائلی اند که وجه انتقادی دارند، اما از واقعیت ها دور نیستند. هدف من از طرح این واقعیت های تلخ و ذکر بعضی خلا ها و نارسائی های موجود، صرف اصلاح امور به خیر مردم و کشور است و نباید چنین توجیهی شود که من مخالف تحول جاری هستم. نمیخواهم همه متن را در اینجا قرائت کنم، بلکه فقط به توضیح بعضی نکات عمده و اساسی آن بسنده میکنم و کسانی که خواهان مطالعه آن باشند، میتوانند یک کاپی تکثیر شده ای نوشته را بدست آورند. گفته میشود که در طول این چهار سال بیش از 3000 کنفرانس، سمینار و محافل نظیر آن در کشور دائر شده و نظریات مختلف در زمینه های مهم بیان گردیده است. اینکه این محافل و کنفرانس ها تا چه حد تأثیری مثبت در تغییر و تحول داشته اند، یک سؤال است. بهر حال یقین دارم هرگونه نویسنده کوشیده و میکوشد در قبال مسئولیت های خود در برابر وطن و مردم برای بهبود اوضاع ابراز نظر نماید، چه بهتر که مراجع مسئول به این نظریات عطف توجه نمایند.

از آنروز تا حال مدت ده سال میگذرد و وقتی سخنان اخیر معاون دوم رئیس جمهور و نیز وزیر اقتصاد کشور را طی محفل چند روز قبل شنیدم، به این باورم افزوده شد که با وجود گذشت یک دهه و سرازیر شدن ملیونها دلار کمک از خارج نه تنها وضع سکتور خصوصی بهتر نشده، بلکه یک تعداد سرمایه گذاریها در این بخش بارکود و سقوط مواجه بود و به گفته معاون رئیس جمهور آقای دانش: «یکی از محور های اصلی برای مصئونیت فعالیت های اقتصادی و حمایت بخش خصوصی مداوم ثبات سیاسی و وجود یک حکومت کارآمد و با اقتدار است... در شورای عالی اقتصادی اولین اقدام، تدوین استراتژی انکشاف ملی کشور است که در آینده نزدیک به تائید نهائی می رسد که هدف اصلی آن ترسیم کلی و دیدگاه دراز مدت در تعیین اولویت ها است. در این استراتژی تأکید بیشتر بر حمایت از تولیدات داخلی و تبدیل کشور از وارد کننده به صادرکننده و در نهایت حرکت بسوی خود کفائی است.»

آقای دانش که در طول یک دهه در مقامهای بلند دولتی قرار داشتند، به خوبی میدانند که قبلاً "استراتژی انکشاف ملی با صرف چندین ملیون دلار بوسیله آقای داکتر اسحق نادری و گروپ کوچک همکارانش ترتیب گردیده و پس از تائید حکومت به کنفرانس لندن به حیث یک سند ارائه گردیده بود. نمیدانم که آن طرح به کجا رسید که اکنون برای اینکار مهم باید سر از نو نیت شود؟

بهرحال وقتی به محتوای مقاله ده سال قبل خود نظر انداختم، دیدم که بسیاری از موضوعاتی که در آن تذکار رفته بود، تا هنوز هم مطرح بوده و فکر کردم که شاید نشر آن برای روشن ساختن بعضی از گوشه های مهم سرمایه گذاری و انکشاف سکتور خصوصی در کشور قابل استفاده خواهد بود، لذا خواستم آنرا با آنکه ارقام و احصائیه ها از 2005 تا حال تغییر کرده، اما مشکلات و خلا ها در زمینه نه تنها کم نشده، بلکه روز بروز بیشتر شده اند، با علاقمندان موضوع در میان بگذارم. قابل ذکر میدانم که این نوشته تاحال در هیچ رسانه به نشر نرسیده و تنها کاپی های آن در سمینار فوق الذکرتوزیع شده بود و اینک بار اول آنرا در این پورتال وزین خدمت تقدیم میدارم:

دولت و سکتور خصوصی در افغانستان

داکتر سید عبدالله کاظم

سمینار: "نقش سکتور خصوصی در بازسازی و انکشاف افغانستان"
مورخ 17 و 18 دسمبر 2005 - منعقدہ پوهنتون کابل

-- نگاهی مختصر به گذشته

-- افغانستان چگونه درگیر "دائرة شیطانی مصیبت" شد؟

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولی

-- ادامه مصیبت بعد از کنفرانس "بن"
-- دائره شیطانی مصیبت و معضله سکتور خصوصی
-- افغانستان یک کشور مستهلک و متکی به واردات
-- ضعف دولت و "غیررسمی" شدن فعالیت های سکتور خصوصی
-- مشکلات عمده سکتور خصوصی و راه های حل آن
-- پالیسی های حکومت از 2001 تا 2005
-- کمبودها، نارسائی ها و لزوم اقدامات

نگاهی مختصر به گذشته:

سکتور خصوصی و تشبث انفرادی عمده ترین گرداننده چرخهای اقتصادی افغانستان در طول تاریخ بوده و تا ایجاد حکومت مرکزی توسط امیر عبدالرحمن خان به شکل غیررسمی و آزاد توسط اشخاص انفرادی پیش برده می شد. مقصد از تشبث غیررسمی اجرای آنده فعالیت های اقتصادی اند که بدون رعایت مقررات و دور از نظارت دولت توسط افراد بطور خصوصی صورت می گیرند. برای اولین بار امیر عبدالرحمن خان به منظور تهیه لوازم و مایحتاج اردوی 89000 نفری خود به تأسیس یک دستگاه صنعتی ماشینی بنام «ماشینخانه» در شهر کابل اقدام کرد که دارای شعب ریخته گری، توپ سازی، تفنگ سازی، تولید باروت، ساختن کارتوس، اسلحه دستی، ضرابخانه، سراجی، خیاطی، شمع ریزی و غیره بود. ماشین و آلات این دستگاه را امیر به کمک کمپنی های خصوصی از هند برتانیوی خریداری کرد و با استخدام اشخاص فنی اروپائی و هندی آنرا بکار انداخت. با این اقدام نخستین سنگ در تهداب سکتور دولتی در افغانستان گذاشته شد.

اولین تحول عمده در مورد انکشاف سکتور خصوصی از حالت غیررسمی به سوی رسمی با انفاذ اولین قانون اساسی کشور در 1303 در عصر امانی صورت گرفت. به اساس ماده 12 این قانون: «اتباع افغانستان حق تأسیس شرکت های تجاری، صنعتی و زراعتی را طبق قوانین مربوطه خواهند داشت». علاوه بر طبق ماده 19 و 23 این قانون تمام دارائی های نقدی و جنسی اشخاص مصنون بوده و اموال هیچکس مصادره نخواهد شد، مگر به حکم قوانین دولت و نظامنامه های آن. در اثر این تحول بزرگ در ساحت قانون گذاری در این عصر بیش از 80 نظامنامه نافذ شد و زمینه های قانونی فعالیت های اقتصادی برای تشبثات خصوصی بطور رسمی مساعد گردید. وضع قوانین مالیاتی و اداره امور مالی، بخصوص انفاذ «نظامنامه تشویقیه صنایع دولت علیه افغانستان» از جمله قوانینی بود که سهولت های لازم را برای تشویق سرمایه گذاری های انفرادی در ساحت مختلف اقتصادی اعم از زراعت، صنعت و تجارت از طرف دولت فراهم میکرد. در این دوره در جوار انکشاف تشبثات دولتی، یک عده تشبثات خصوصی در ساحت مختلف نیز برای اولین بار بطور رسمی تأسیس و بر طبق مقررات موضوعه دولت شروع به فعالیت کردند. سیاست دولت در این عصر مبتنی بر حمایت تولیدات داخلی در برابر تولیدات وارداتی بود و در ساحت تجارت خارجی تلاش گردید تا امتعه افغانی را سبب به بازار های اروپائی عرضه شوند و وساطت تجار هندی و روسی کمتر گردد تا کشور از انزوای اقتصادی بیرون آید. این تحولات در عین زمان توأم بود بایک حرکت تدریجی از مبادلات جنس به مبادلات نقدی (پولی).

اغتشاش 1307 و جانشین شدن رژیم سقوی برای مدت تقریباً 9 ماه صدمه بزرگ براوضاع عمومی کشور، بخصوص امور اقتصادی وارد کرد. به قول مرحوم غبار: «دروه اختلال سقوی تجارت خارجی کشور را سقوط داد، زراعت و پیشه وری را مختل کرد، شاهراه های مملکت معروض تاخت و تاز سوق الجیشی ها و شهر های عمده مشغول دفاع یا تعرض بودند. این وظیفه دفاعی و تعرضی هم بر شانه نسل جوان قرار میگرفت که شغل اصلی شان زراعت و مالداری و باغداری و یا صنعت و پیشه وری بود. تمام مؤسسات قانونی و فواید عامه از قبیل معارف، حفظ الصحة، تجارت، صنایع و فابریکه ها از کار افتاده بودند، حیثیت و پرستیژ دولت در سیاست خارجی و اداره داخل معدوم شده بود.... مصارف لشکر کشی ها افزونی گرفت و خزاین دولتی افلاس

د پانوی شمیره: له 3 تر8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نمود و مالیاتهای عفو شده و باقیات گذشته تحت تحصیل قرار داده شد و هم دست به ضبط و تاراج دارائی دیگران دراز گردید...» (غبار، میرغلام محمد: "افغانستان در مسیر تاریخ" - جلد دوم، چاپ ویرجینیا، 1999، ص 21)

بعد از سقوط رژیم سفوی (22میزان 1308) و آغاز سلطنت محمدنادرشاه و بعداً محمدظاهرشاه دولت نخست متوجه اعاده امنیت و ثبات در کشور گردید و متعاقباً توجه را به امور اقتصادی مبذول کرد. در سال 1313 (1934) اولین بانک بنام «بانک ملی» با اشتراک مالی دولت و سهمگیری یکعده تاجران بزرگ با حمایت محمدهاشم خان صدراعظم توسط عبدالمجید خان زابلی تأسیس شد. پنج سال بعد «دافغانستان بانک» به حیث بانک مرکزی پا بعرصه وجود گذاشت. با آنکه سهم دولت از بانک ملی به آن بانک انتقال کرد، اما امتیاز انحصارات وارداتی و صادراتی در اختیار بانک ملی باقی ماند و این بانک توانست در ظرف 13 سال بخش بزرگ سرمایه خصوصی را در کشور جلب کند و بیش از 50 شرکت تجاری و صنعتی را فعال سازد. جنگ عمومی دوم بر رونق این دوره تأثیر منفی انداخت و فعالیتهای تجاری و صنعتی منسوب به شرکای بانک را محدود ساخت. باید تصریح کرد که طی این دوره سکتور خصوصی به سرعت بی سابقه انکشاف کرد و قشر سرمایه دار به مفهوم جدید به میان آمد.

طی ده سال صدارت محمد داود خان (1332 - 1341) با رویدست گرفتن پروژه های مهم زیربنائی متکی بر اصل «اقتصاد رهبری شده» و طرح و تطبیق پلانههای پنجساله (باوجود خلاهای کم و بیش) تحول عظیم در سکتور دولتی پدید آمد که تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر تحرک اقتصادی سالهای بعد بخصوص در نتیجه اتصال حلقه مواصلاتی کشور و تبدیل اقتصاد محلی به اقتصاد ملی توأم با ایجاد امنیت سرتاسری و استحکام حکومت مرکزی نقش عمده بازی کرد. همین پالیسی با کمی تعدیل در ده سال مشروطیت (مسمما به دوره دموکراسی) پیش گرفته شد. با آنکه در قانون اساسی 1343 درباره نظام اقتصادی کشور هیچ مطلبی مشخص ذکر نشده بود، اما در جوار طرح پلانههای پنجساله و ازدیاد تعداد تصدیهای دولتی، بطور محسوس میلان سرمایه گذاریها توسط تشبثات خصوصی بیشتر گردید و در اثر آن یک تعداد زیاد صنایع کوچک و متوسط در کشور بطور رسمی یعنی بر طبق قوانین و مقررات دولت آغاز بکار کردند.

محمد داود خان پس از موفقیت کودتای سرطان 1352 و اعلام نظام جمهوری طی بیانیه مبسوط (مورخ اول سنبله) سیاست اقتصادی رژیم را چنین اعلام کرد: «دولت جمهوری افغانستان ایجاد صنایع سنگین از قبیل استخراج معادن، ایجاد صنایع فلزکاری و ماشین سازی و صنایع کیمیاوی و برق را که ضامن پیشرفت سریع اقتصاد و تحکیم استقلال کشور است، حائز اهمیت بزرگ می شمارد و در تحت سکتور اقتصاد دولتی اقدامات جدی را در زمینه مرعی خواهد داشت». او در ادامه گفت: «دولت جمهوری سرمایه گذاریهای خصوصی و تشبثات خصوصی را در ایجاد صنایع کوچک و متوسط و صنایع دستی تشویق، حمایت، رهبری و کنترل خواهد کرد و همکاریهای لازم را بین سرمایه های دولتی و سرمایه های خصوصی بمنظور ترقی، هماهنگی و رشد متعادل اقتصاد ملی بصورت مختلط بوجود خواهد آورد... و سیاست حمایوی را از صنایع و تجارت داخلی در برابر رقابت اموال و سرمایه های خارجی در پیش خواهد گرفت.. و تجارت خارجی را بر اساس تجارت رهنمائی شده بروی منافع ملی رهبری خواهد کرد».

محتوای این بیانات از یکطرف و موجودیت بعضی شخصیت های منسوب به جناح پرچم در مقامهای حساس حکومت از طرف دیگر مصنوعیت تشبثات خصوصی را در آینده زیر سوال برد و در دوسال اول موجب فرار سرمایه ها از کشور گردید. بعد از تصفیه پرچمی ها از حکومت اوضاع مجدداً بحالت قبلی برگشت.

از ذکر مختصر فوق پیرامون تکامل سکتور دولتی و سکتور خصوصی در کشور بر می آید که یک رابطه مستقیم بین قدرت دولت و استقرار امنیت از یکطرف و رسمی شدن فعالیتهای سکتور خصوصی از طرف دیگر وجود دارد. با این ترتیب که: به هر اندازه که قدرت دولت و امنیت سرتاسری در پرتو نظم قانون و اداره در کشور گسترش و استحکام یابد، به همان اندازه فعالیتهای سکتور خصوصی از حالت غیررسمی به شکل

رسمی درآمده و نحوه فعالیت آن با رعایت قوانین و مقررات دولت بطور آشکار و واضح تغییر میکند و بنابر سیاستهای اقتصادی دولت در زمینه حمایت و انکشاف سکتور خصوصی به نفع اقتصاد ملی بیشتر اثر می بخشد. برعکس هرگاه دولت ضعیف و امنیت در کشور سست شود، فعالیت‌های سکتور خصوصی وجه غیررسمی و اغلب غیرقانونی را بخود میگیرد، چنانیکه این حالت بعد از کودتای ثور بوقوع پیوست و افغانستان را تدریجاً در کام «دائرة شیطانی یا خبیثه مصیبت» (Vicious Circle of Calamity) فرو برد.

افغانستان درگیر «دائرة شیطانی یا خبیثه مصیبت» :

این یک واقعیت غیرقابل انکار است که کودتای کمونیستی ثور 1357 سرآغاز همه مصیبت‌ها در کشور بود. با این شرح مختصر که : کودتا و پس منظر ایدئولوژیکی آن موجب قیام و ایجاد مقاومت‌های مردم علیه رژیم شد، خاصاً بعد از تهاجم قوای شوروی این مقاومتها روزبروز کسب شدت کرد و به جنگهای ویرانگر و خونین تبدیل گردید. دوام جنگ و شدت مقاومت از یکطرف کشور را ویران کرد و از طرف دیگر سلطه رژیم را در کشور بیشتر محدود به شهرها ساخت. ویرانی دهات موجب مهاجرت مردم به شهرها و نیز به خارج کشور گردید و به سکتور زراعت و صنایع دستی و محلی شدیداً صدمه وارد کرد. تمرکز نفوس در شهرها (بخصوص شهر کابل) و فقدان زمینه‌های کار و استخدام، دامنه فقر را در همه جا وسیع تر ساخت. باسقوط تولیدات داخلی، واردات اشیای صنعتی و همچنان انواع مواد خوراکی از خارج به سرعت افزایش یافت که با کسر روبه تزیاید بیلانس تجارت خارجی، ذخائر اسعاری کشور روبه کاهش نهاد و رژیم خلقی - پرچمی را بیش از پیش به دامن امداد خارجی آنها از شوروی و کشورهای بلاک شرق انداخت. سقوط عواید داخلی دولت در اثر از هم پاشیدگی اداری و شدت قیامها و کسر مداوم بودجه، رژیم را به سیاست استقراض از بانک مرکزی متکی ساخت و در اثر افزایش حجم پول در دوران، ارزش تبادلوی افغانی در برابر اسعار خارجی روزبروز پایان آمد و سطح قیمت‌ها به سرعت بالا رفت. با این ترتیب دیده میشود که افغانستان تدریجاً در حال فرورفتن به کام یک طوفان ویرانگر اقتصادی و درگیر شدن در طلسم «دائرة شیطانی یا خبیثه» بسوی فقر و مصیبت بود که با گذشت هرروز ساحة آن وسیعتر و سرعت آن بیشتر میگردد.

این وضع مصیبت بار با سقوط رژیم خلقی - پرچمی نه تنها از بین نرفت، بلکه با رویکار شدن حکومت تنظیمی (1371) و متعاقباً تشدید جنگهای داخلی بین جناح‌های قدرت طلب بیشتر و بیشتر شد که شرح آنرا اینجانب در کتاب «افغانستان در طلسم دائرة شیطانی مصیبت» بطور مفصل مورد بحث قرار دادم. (کاظم، سید عبدالله: "افغانستان در طلسم دائرة شیطانی مصیبت"، چاپ دوم، پشاور، 1995)

باعروج طالبان اقتصاد کشور باز هم روبه وخامت گذاشت و ساحة مصیبت در چرخش مکرر دائرة شیطانی وسیعتر گردید، تاجانیکه همه شیرازه‌های نظم عمومی جامعه از هم متلاشی شد و بحران عظیم کشور را فرا گرفت. تجرید افغانستان از صحنه جهانی و ادامه جنگهای داخلی روزافزون اختیار کشور را بیش از پیش بدست کشورهای همسایه و همچنان گروه‌های سیاسی و نظامی بنام القاعده سپرد که هدف شان تبدیل کردن افغانستان بیک پایگاه مقاومت علیه غرب بود. اعمال دهشت افگنی و تروریستی این گروه تا آنجا پیش رفت که منجر به حادثه 11 سپتمبر 2001 در امریکا شد که در اثر آن امریکا به افغانستان حمله کرد و با سقوط رژیم طالبان، زمینه یک تحول مثبت سیاسی در افغانستان به تاسی از مصوبات کنفرانس «بن» فراهم گردید.

ادامه مصیبت بعد از کنفرانس «بن» :

از راه اندازی کنفرانس «بن» تا اکنون مدت چهار سال میگذرد که با انجام انتخابات پارلمانی، دوره انتقالی پایان یافت و دور عادی در کشور آغاز گردید. طی این مدت با وجود تلاشهای همه جانبه و سرازیر شدن

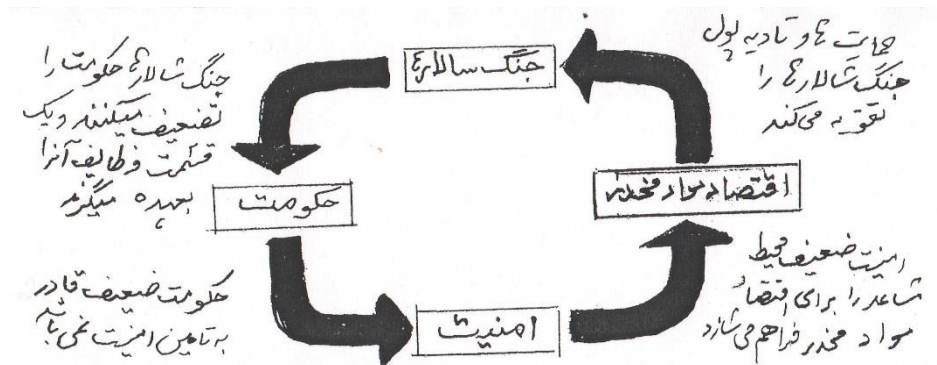
د پانوی شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

مبالغ بزرگ امداد جامعه جهانی، متأسفانه هنوز هم کشور در طلسم دایره شیطانی مصیبت قرار دارد که شکل و ابعاد آن مغلق تر و راه بیرون رفت از آن مشکلتر گردیده است، زیرا بجای نفوذ گروپهای تروریستی القاعده، اکنون عنصر خطرناک «مافیای مواد مخدر» داخل عمل شده است.

بانک جهانی در نشریه اخیر خود تحت عنوان «افغانستان - استحکام دولت، رشد دوامدار و کاهش فقر» (فبروری 2005) حرکت دایره خبیثه را در شرایط موجود چنین تشریح میدارد: موجودیت جنگ سالاران حکومت را ضعیف میسازد، زیرا یک قسمت وظایف آنرا جنگ سالاران بعهده میگیرند؛ حکومت ضعیف قادر به تأمین امنیت بطور لازم نمی باشد، ضعف امنیت فعالیت اقتصادی مواد مخدر را توسعه میدهد، همدستی و اشتراک جنگ سالاران در اقتصاد مواد مخدر و همچنان حمایت های مالی دیگر، موجب قدرتمندی بیش از پیش جنگ سالاران میگردد. تداوم این حرکت به شکل دائرهای و مکرر بازهم برضعف حکومت می افزاید و امنیت از هم بیشتر می باشد و اقتصاد مواد مخدر را زیادتیر گسترش میدهد که در اثر آن قدرتهای محلی و ملیشانی جنگ سالاران بازهم تقویه میگردند. (A World Bank Country Study Afghanistan, Feb. 2005, Exec. Summary 18 , page 120)

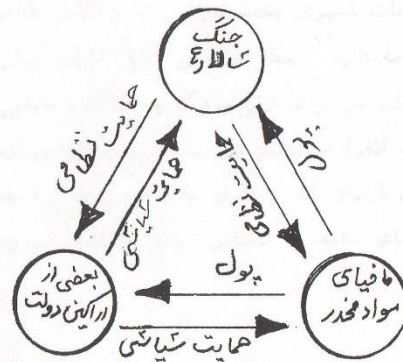


(این چرخش دائرهای بطور خودکار طی هر دوره بزرگتر و بزرگتر میشود و دایره مصیبت را وسعت می بخشد)

در جریان عملیه فوق پول فراوان مواد مخدر در عین زمان زمینه های اختلاس و سوء استفاده را در اورگانهای دولتی وسیعتر کرده و مأمورین حکومت را در رده های مختلف شریک در اقتصاد مافیایی و مواد مخدر می سازد. به هر اندازه که جریان مواد مخدر قویتر گردد، به همان اندازه همبستگی جنگ سالاران و مأمورین پر قدرت حکومت با عناصر ذیدخل در اقتصاد مواد مخدر بیشتر میشود. در نتیجه یک پدیده جدید به میان می آید که عملیه چرخش دایره شیطانی مصیبت را سریع تر و مغلق تر میسازد که عملکرد آنرا میتوان زیر نام «اتحاد مثلث» به این شکل خلاصه کرد:

د پانوی شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ



چگونگی عملکردها و تعهدات متقابل بین گردانندگان " اتحاد مثلث نا مقدس "

«دائرة شیطانی یا خبیثه مصیبت» و معضله سکتور خصوصی :

با آنکه پروگرام خلع سلاح (DDR) طی دو سال گذشته سلاح ثقیله را از دست اکثر جنگ سالاران بیرون کشید و زیر اداره حکومت مرکزی قرار داد و خوشبختانه اکنون خطر جنگ داخلی بین قوه های درگیر قبلی مرفوع گردیده است، ولی سلاح خفیفه به پیمانۀ وسیع در اختیار آنها و قوماندانهای محلی باقی مانده که وسیله پخش قدرت نفوذ آنها بطور فعال و محسوس در محل میگردد. جاگرفتن اغلب جنگ سالاران و وابستگان شان در مقامهای بزرگ حکومت و اکنون در پارلمان بر رسوخ و نفوذ مزید آنها در کشور می افزاید که اینکار قدرت دولت را خارج از شهر کابل تحت الشعاع قرار میدهد. اگرچه بعضی اراکین دولت به ضعف امنیت چندان معترف نیستند، مثلاً آقای هدایت امین ارسلا وزیر تجارت طی یک مصاحبه در امریکا به موضوع امنیت اشاره کرده چنین گفت: «امنیت واقعاً یک مشکل عمده نیست، اما مردم بیرون از کشور در این باره بطور مبالغه آمیز سخن میگویند». او علاوه کرد: «طی دو سال گذشته بیش از سه هزار پروژه سرمایه گذاری در کشور ثبت گردیده که مجموع آن بالغ بر 1.3 میلیارد دالر میگردد که بیش از نصف آن مربوط به سرمایه گذاریهای خارجی میباشد». (مصاحبه هدایت ارسلا ت وزیر تجارت با رادیو آزادی، 10 اکتوبر 2005)

با وجود این خوشبینی اراکین دولت، نمیتوان از این حقیقت چشم پوشید که مسئله امنیت هنوز هم یک سوال عمده در افغانستان بوده و فقدان مصنویت مالی و اعتماد بر جریانات آینده برای سرمایه گذاری در کشور یک معضله بزرگ محسوب میشود. توقف جنگ های داخلی به هیچ وجه تضمین کافی را برای آینده سرمایه گذاری در سکتور خصوصی معنی نمیدهد، همچنانیکه تدوین قوانین و فراهم آوری تسهیلات مربوطه نمیتواند به تنهایی موجب اطمینان خاطر سرمایه گذارها بخصوص سرمایه گذاران خارجی در افغانستان گردد، زیرا حصول اطمینان از اوضاع آینده به وقت و زمان بیشتر ضرورت دارد.

بر اساس اصل اقتصاد بازار آزاد که مبنای سیاست اقتصادی دولت را می سازد، عمده ترین محرکه و انگیزه سرمایه گذاری در سکتور خصوصی همانا حصول زیادترین مفاد ممکنه برای مدت طویل میباشد. در صورتیکه سرمایه گذاری مواجه با خطرات ناشی از فقدان امنیت و مصنویت دراز مدت باشد، انگیزه مفاد برای مدت طویل زیر سوال میرود و سرمایه گذار را در تردد و دو دلی می اندازد و حتی او را از سرمایه گذاری منصرف میسازد. فقط کسانی در تحت این شرایط حاضر به سرمایه گذاری خواهند شد که مفاد حاصله آنها در آغاز آنقدر زیاد باشد که بتواند خسارات احتمالی آینده را جبران کند و ضرر بعدی را در شروع تلافی نماید. همچو پروژه های پرمفعت فعلاً در افغانستان وجود ندارند، البته به استثنای سرمایه گذاری در ساحه جدید تیلی کمیونیکیشن

د پانوی شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پادونه: دلپکنی د لپکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

(مثلاً تلفون موبایل). سرمایه گذاری در ساحات زیربنائی، برق، سمنت و غیره که دولت خواهان تشویق آنست، درکتگوری همچو پروژه های پرمفعت نمی آیند.

واضحاً وقتی اطمینان برآینده کم باشد، سرمایه داران پول خود را به دلیل سیالیت زیاد در سکتور تجارت بکار می اندازند و عده ای نیز به منظور وقایه از سقوط ارزش پول میکوشند به خرید اموال عقاری از قبیل منازل رهایشی و جایدادهای تجارتی آنهم در ساحات شهری بخصوص در شهر کابل اقدام ورزند. این میلان از کودتای ثور آغاز گردید و تاکنون با شدت بیشتر ادامه دارد. اینکه در شهر کابل اکنون بیش از هر وقت دیگر یک تحرک جدی در مورد اعمار ساختمانهای بلند منزل، مراکز تجارتی بزرگ و محلات رهایشی تجملی و همچنان ترمیم منازل سابقه از طریق سکتور خصوصی و تشبثات انفرادی چشم هر بیننده را خیره میکند، انگیزه عمده آن بیشتر در یک موضوع خلاصه میشود آنهم: موجودیت پول فراوان که از طرق مختلف (اعم از قاچاق مواد مخدر، از اختلاس و رشوه های بزرگ، از غصب جایدادها و ملکیت های عامه، از ذخایر نامشروع قبلی در زمان جهاد و بعد از آن) در دست یکعده اشخاص تجمع کرده و آنها نمی دانند با این پولهای بادآورده و اغلب غیر قانونی چکار کنند. از آنجائیکه ارسال این مبالغ گزاف به خارج اکنون زیر نظارت شدید کشورهای بزرگ قرار دارد و انتقال پول به خارج تابع شکلیات خاص و دقیق بانکی میباشد، لذا راه دیگر وجود ندارد، جز اینکه پول را در خرید جایدادهای عقاری بکار برند تا از یکطرف با حفظ ارزش ذاتی آن، خطرات احتمالی آینده را مرفوع سازند و از طرف دیگر بعداً با فروش آن جایدادها پولهای نامشروع را مشروع جلوه دهند یا به عبارت دیگر پولهای به اصطلاح «سیاه» را به پولهای «سفید» تبدیل نمایند و به آن وجه قانونی دهند.

دلیل اینکه چرا قیمت جایدادها در کابل و دیگر شهر های بزرگ بطور غیرقابل تصور بلند رفته است، از یکطرف ناشی از تقاضای روزافزون همین صاحبان پولهای بادآورده میباشد و از طرف دیگر موجودیت مؤسسات خارجی بخصوص تعداد کثیر انجوها و اقامت بیش از ده هزار خارجی با معاشات دالری بسیار وافر پروژه های امدادی در کابل است که موجب بلند رفتن کرایه منازل و در نتیجه علت دومی افزایش قیمت جایدادها شده است که این وضع باز هم سرمایه گذاران را به سرمایه گذاری در امور ساختمانی بیش از پیش تشویق میکند.

(ادامه دارد)